خراسان بزرگ:سال اول،شماره(۱)، زمستان ۱۳۸۹
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.1, No. 1, Winter 2009

نگاهی به تـاریخ و تمدن خراسان بـزرگ در عهد باستـان

محمد قائم مقـامی[1]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳

چکیـده

از آن جا که توجه ما در اکثر مواقع تنها به تمدن های بزرگ بشری جلب مـی گـردد، درنتیجـه، ازتمدن های حاشیه‌ای و کوچک‌تر غفلت می ورزیم. این درحالی است که گه‌گاه بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان داده‌اند که بسیاری ازشاهکارهای فرهنگی و هنری ازهمین تمدن های حاشیه ای و کوچک نشأت گرفته است. اگرچه تمدن های ایران،مصر، بین‌النهرین، هنـد، چـین و یونـان از جمله تمدن های بزرگ جهان باستان بوده و نسبت به تمدن های امروزی سرنوشت‌ساز بوده‌اند ، امـا در این راستا تمدن های کوچک‌تری نیز وجود داشته‌اند که نقش پـل ارتبـاطی را ایفـا مـی‌کردنـد و باعث ارتباطات فرهنگی جهان باستان می شدند. این تمدن‌ها چه بسـا در بررسـی هـای تـاریخی و باستان‌شناسی مورد غفلت واقع شده‌اند. ازاین رو، تمدن‌های واقع در سرزمین وسیع خراسـان بـزرگ اگرچه نقش بزرگی را در ارتباطات فرهنگی تمدن های ایران و بین‌النهـرین در غـرب و نیـز هنـد و چین در شرق ایفا می نمودند، اما حقیقت آن است که به‌گونه‌ای شایسته مورد بررسـی قـرار نگرفتـه اند. خوشبختانه، در چند دهه‌ی اخیر بررسی های تاریخی، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی کـه البتـه در اکثر مواقع توسط دانشمندان روسی درباره‌ی خراسان بزرگ انجام گرفتـه، باعـث گردیـده اسـت کـه پرتوی بر زوایای تاریک تاریخ و تمدن این سرزمین کهن افکنده شود.

کلیـد واژه‌ها:

خراسان بزرگ، آسیای میانه، خوارزم، تمدن، باستان‌شناسی، هخامنشیان

---

[1] استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

مقــدمه

هرگاه سخن از تاریخ و تمدن آسیای میانه به میان می آید، ارتباط عمیقی بین این سرزمین و ایران فعلی دیده می شود؛ چرا که از دوره‌ی هخامنشیان تا حدود یکی دو قرن پیش آسیای میانـه و خراسان امروزی ایران و نیز بخش هایی از افغانستان سرزمین وسیع خراسان بـزرگ را تشـکیل می‌داد. اگرچه مدت هاست که این سرزمین ها از نظر جغرافیای سیاسی از یکدیگر جدا شـده انـد، اماز نظر جغرافیای فرهنگی و نیز تاریخ تمدن به‌هیچ‌وجه نمی‌توان بین آن‌ها مرزهایی قائل شـد؛ زیرا در جغرافیای فرهنگی مرزها درهم می‌شکند به همین دلیل، در بررسـی هـای تـاریخی نمـی توان سرزمین آسیای میانه را از ایران امروزی جـدا دانسـت ، چـون از نظـر سیاسـی، اجتمـاعی و فرهنگی ارتباطات دیرینه و تنگاتنگی بین این دو وجود داشته است.

می‌دانیم که در دوره‌ی باستان، سرزمین های آسیای میانـه و خراسـان امـروزی ایـران و نیـز بخش هایی از افغانستان سرزمین خراسان بزرگ را که سابقه‌ی‌تمدن آن بـه دوره‌ی هخامنشـیان می رسد، تشکیل می داد . درست به همین دلیل است که امروزه نمـی تـوانیم سـابقه‌ی تـاریخ و تمدن هر یک از این سرزمین ها را جدا از یکدیگر بررسی کنیم . تاریخ و تمدن خراسان بـزرگ و آسیای میانه را به دو طریق می توان مورد بررسی قرار داد : الف) بررسی تاریخ و تمـدن خراسـان بزرگ بر اساس منابع اساطیری، ب) بررسی تاریخ و تمدن خراسان بزرگ بر اساس منابع تـاریخی و باستان‌شناسی.

نگاهی به تـاریخ و تمدن خـراسان بزرگ در عهد باستــان

در اساطیر ایرانی، این‌گونه به نظر می رسد که آریایی ها پس از مهـاجرت از جایگـاه اولیـه‌ی خود (دشت های جنوب سیبری) به‌تـدریج بـه مهـم تـرین بخـش هـای خراسـان بـزرگ یعنـی ماوراءالنهر و سواحل جیحون رسیده و سپس در حوالی خوارزم سـاکن گردیـده انـد. البتـه در آن روزگار رود جیحون تمامی نواحی ماوراءالنهر را طی می کرد و درنهایت به دریای خـزر وارد مـی شد که این خود باعث آبادانی هر چه بیشتر بهشت آریایی ها یعنی خوارزم می‌گردید. بـه احتمـال زیاد، سرزمین ائیریانام وئجو (aeriyanam-vaejo) یا همـان بهشـت آریـایی هـا کـه در منـابع بازمانده از آن روزگار بسیار از آن یاد شده، همان خوارزم اسـت کـه در تـاریخ و تمـدن سـرزمین خراسان بزرگ از جایگاه خاصی برخورداراست.

در اوستا، بخش وندیداد، اسامی۱۶ شهر که آفریده‌ی اهورمزدا هستند، آورده شده است. برخی از اندیشمندان معتقدند با توجه به اینکه اکثر قریب به اتفاق این شـهر هـا در یـک خـط سـیر در خراسان بزرگ پدید آمده و در اوستا نام برده شده اند ، شاید منظور بیان خط سیر مهاجرتی آریایی ها و درنهایت بیانگر مکان توقف و اسکان آن‌ها در خوارزم (سواحل جیحون) باشد[1]. برخی از این سرزمین ها که از این نظر حائز اهمیت هستند عبارت اند از: سوغده (sugda) سغد، مورو (muru) مـرو، باخـذی (baxzi) بلـخ، نیسـایه (nisaya) نسـا، هریـووه (harayuva) هـرات، وای کرتـه (vaykerte) کابل، اورو (urve) غزنین، وهرکانه (vahrkana) گرگان، هرهواتی (harahuvati) رخج واقع در جنوب افغانستان و ائیریانام وئجو (aeriyanam-vaejo) خوارزم.

همان طورکه از بررسی و مطالعه‌ی خط سیر این شهرها برمی‌آید، به نظر می رسـد کـه ایـن جابجایی‌ها به نوعی بیانگر مهاجرت تدریجی آریایی ها و سکونت نهایی آن‌ها در سرزمین خوارزم و ماوراءالنهر باشد. از دیگر سوی، با مطالعه‌ی کتیبه‌های هخامنشی نیز می‌توان به نـوعی اسـامی همین شهر ها را دید. درواقع، کتیبه‌های هخامنشی کهن‌ترین اسنادی‌اند که نام برخی از سرزمین های اولیه آریایی‌ها در آن‌ها قید شده است. با بررسی این کتیبه ها، به‌نوعی مـی تـوان جایگـاه و سرزمین های آریایی را با موارد ذکرشده در *اوستا* مورد بررسی قرار داد که البته با توجه به این‌کـه به نتیجه ای یکسان می رسیم، این خود تأکیدی بر صحت و اعتبار ماهیـت و مـوارد ذکرشـده در *اوستا* درباره‌ی آریایی‌ها است.

در این‌جا به طور مختصر به بررسی محتوای دو کتیبـه‌ی مهـم داریـوش یعنـی کتیبـه هـای بیستون و تخت جمشید که در آن‌ها به نوعی اسـامی برخـی از سـرزمین هـای آریـایی واقـع در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر قید شده است، می‌پردازیم[2]. در بند ششـم کتیبـه‌ی بیسـتون- و نیـز بندهای آغازین کتیبه‌ی تخت جمشید- داریوش شاه می گویـد ایـن سـرزمین هـایی اسـت کـه اهورمزدا به من بخشید و به لطف اهورمزدا من پادشاه هستم: زرنک (سیستان)، هرایـوو (هـرات)، هوارزمیش (خوارزم)، باختریش (بلخ یا باختر)، سوگوده (سغد) ،گنـداره (قنـدهار)، سـک (سـرزمین سکاها)، ثتگوش (پنجاب)، آراخوزیا (سرزمین رخج افغانستان) و مکا (مکران بلوچستان).

---

[1] سیدمحمد علی حسنی (داعی الاسلام) ، ترجمه وندیداد، (حیدر آباد دکن:چاپ صحیفه ، ۱۳۵۷)، ص ۱۳-۱۰.

[2] kent, R.G, old Persian. grammer. texts and lexicon, new haven, 1953, p.p 117& 136

لسترنج در اثر خود با تکیه بر نوشته های منابع اسلامی گسترهی جغرافیایی خراسان بـزرگ و ماوراءالنهر را این چنین تشریح می کند: «خراسان در فارسی قدیم به معنی خـاور زمـین (مشـرق زمین) است. این اسم در اوایل اسلام به‌طورکلی بر تمام ایالات اسلامی واقع در سمت شرق کویر لوت تا کوه های هند اطلاق می‌شد. به این ترتیب، تمام بلاد ماوراءالنهر را نیـز شـامل مـی شـد. حدود خارجی خراسان بزرگ در آسیای میانه سرزمین چـین و پـامیر و از سـمت هنـد کـوه هـای هندوکش بود. ولی به‌تدریج از وسعت خراسان بزرگ کاسته شد، بـه طـوری کـه در قـرون میانـه اسلامی خراسان یکی از ایالات ایران بود که از سمت شمال شرق به رود جیحون محدود می شد اما ماوراءالنهر شامل سرزمین های وسیع آن سوی جیحون بود و بـه فارسـی بـه آن ورازرود مـی گفتند و مهم ترین شهر های آن سغد ، سمرقند ، بخارا ، خجنـد ، اسروشـنه و ترمـذ بـود».[۱] امـا ترکستان در اصل شامل سینکیانگ چین بود، ولی به‌تدریج به دلیل گسترش اقوام ترک وسیع تـر گردید، به طوری که بخش هایی از سرزمین ماوراءالنهر را نیز در بر گرفت تا آن جا که حوزه ی-دریاچه بالخاش، قره گول ، ایسیق گول و ... را که در دوران باسـتان بـا عنـوان((تـوران زمـین)) معروف بود،شامل گشت. شایان ذکر است رئیس قبائل ترک یعنی «بومین خان» درنیمه‌ی قـرن ششم میلادی سراسر سرزمین ماوراء سیحون را تصرف کرد و از این پس است که ما تماس ها و برخورد های امپراطوری ایران ساسانی را با ترکان به نحوی پررنگ‌تر در منابع تاریخی می بینیم[۲].

خـراسان بزرگ در دوران هخـامنشیان

همان‌گونه که کامل ترین اطلاعات درباره ی هخامنشـیان را از *تـاریخ هـرودت* – گذشـته از هکاته– کسب می کنیم، این مورد درباره‌ی اقوام و ملل و تمدن های آسیای میانه نیز صدق می کند؛ یعنی *تاریخ هرودت* کهن‌ترین اطلاعات را درباره‌ی فرهنگ و تمدن اقـوام آسـیای میانـه در اختیار ما قرار می دهد. به نظر می رسد هرودت بخش زیادی از اطلاعات خود را از طریـق منـابع موجود و نیز مسافرت ها و پرس‌وجو کردن از دیگران به دست آورده باشد. همچنـین بایـد خـاطر نشان ساخت *اوستا* نیز در این زمینه اطلاعات مفیدی را در کهن ترین بخش یعنـی گاتهـا در بـر داشته است. همان گونه که قبلا اشاره شد، کتیبه های هخامنشـی نیـز در ایـن رابطـه اطلاعـات

[۱] ،لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان (تهران: دنیای کتاب ،۱۳۸۱)، ص ۴۰۸.
[۲] عنایت الله‌رضا ، « ترکان و ایران در عهد خسرو انوشیروان » ، مجله بررسی های تاریخی ، س ۱۱، ش : ۵.

مفیدی دربردارند. در این راستا،کتاب خاطرات کتزیـاس پزشـک یونـانی اردشـیر دوم نیـز دارای اطلاعاتی دربارهٔی حماسه های اقوام خراسان بزرگ است. اگرچه برخی کتـاب وی را فاقـد ارزش دانسته اند، ولی با توجه به تحقیقات ج.مارکوات و و.بارتولد معلوم شد که کتاب خاطرات کتزیـاس اثری بسیار ارزشمند بوده و وی اثر خود را تحت نفوذ فرهنگ و اعتقادات بلخی ها و سـکاهی هـا که از مهم ترین اقوام خراسان بزرگ و آسیای میانه بوده اند، نگاشته است و امـروزه تـا حـدودی می‌توان این اثر را با *شاهنامه* فردوسی مقایسه نمود».

از نظر تاریخی به نظر می رسد کورش بزرگ (۵۲۹-۵۵۹ق.م) سلسلهٔی هخامنشـی را پایـه-ریزی کرد. وی طی چند مرحله لشکرکشی به شرق یعنی همان آسیای میانه پیروز ولی درنهایـت کشته شد. «پس از روی کار آمدن داریوش اول نیز شورش های متعـددی روی داد کـه از جملـه مهم ترین در آسیای میانه یا خراسان بزرگ شورش در مرو بود کـه ادامـه آن در پـارت و نیـز در سرزمین سکاها آشکار شد. با آگاهی یافتن از تعداد اسرا و کشته‌شدگان معلوم می شـود کـه ایـن شورش ها بسیار وسیع بوده است.»[۱] با بررسی پیشینهٔی فرهنگی آسیای میانه می تـوان دریافـت که فرهنگ این سرزمین حدود دو قرن زیر نفوذ فرهنگ هخامنشـی بـوده اسـت،زیرا تشـکیلات اداری هخامنشیان با ترکیب کردن نواحی مختلف آسیای میانه در سـاتراپی‌هـای هخامنشـی، تـا آسیای میانه نیز گسترش یافته بوده است. درواقع، هخامنشـیان نـواحی مختلـف آسـیای میانـه را همچون دیگر نواحی زیر نفوذ خود خراج‌گزار خود نمودند. هرودت از مقدار پـولی کـه اقـوام ایـن ناحیه به عنوان مالیات و غیره به خزانه ایران عصـر هخامنشـی مـی پرداختنـد، خبـر مـی دهـد. همچنین اقوام آسیای میانه طلا و سنگ های قیمتی برای تزئین بناهای شوش و تخـت جمشـید می فرستادند. همچنین از گزارش هرودت در می‌یابیم که اقوام آسیای میانه از جملـه بلخـی هـا، سکاها و خوارزمی ها در جنگ های خوارزمی ها و دشمنانشان به صف سـربازان هخامنشـی مـی پیوستند.

گنجینـه جیحـون

گنجینهٔی جیحون نمونه ای اسـت از آینـهٔی تمـام‌نمـای تـأثیر و حضـور فرهنـگ و تمـدن هخامنشی در آسیای میانه که در سال ۱۸۷۰ در نزدیکـی روسـتای قبـادان (میکویـان فعلـی) در

[۱] ر. ن فرای، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۲ ، ص ۵۸۲ - ۵۸۱

سواحل جیحون کشف شده و اکنون در موزه لندن قرار دارد.« متأسفانه، معلوم نیست که این اشیا دقیقا کی ساخته شده است، چرا که در این اشیا نفوذ سبک ها و زمان هـای مختلفـی دیـده مـی شود. بنابراین، نمی توان به گونه ای اطمینان بخش آن را به یک زمان و یک سبک هنری متعلق دانست؛ چراکه برخی از اشیا به سبک هخامنشی و برخی دیگر جلوه گر سبک های پـس از دوره-ی هخامنشی می باشد.»[۱]

با توجه به کاوش های انجام‌شده در آسیای میانه، می توان نفوذ هنر معماری هخامنشـیان را در برخی از شهرهای آسیای میانه دید؛ از جمله در شهرهای گیور قلعه در حوالی مـرو کـه هفـت کیلومتر مساحت داشت و یا شهر کلالیگیر در خوارزم و نیز شهر کیوزلی‌گیر که طرحی مثلثی‌شکل داشته و طول آن هزار متر و عرض آن پانصد متر بوده و دور آن دو حصار یـا دیـوار دفـاعی بـرج های بلند بوده است. همچنین در تاجیکستان شمالی و بلخ، آثار فراوان معماری به چشم می خورد که در آن‌ها نشانه هایی از هنر معماری هخامنشی دیده می شود.

نگـاهی کوتاه به تمدن های بـاستانی خراسـان بزرگ

بررسی سابقه‌ی تاریخ و تمدن خراسان بزرگ ویژگی مخصوص به خـود را دارد و آن عبـارت است از کمبود آثار و مدارک مکتوب و نیز خطوط و زبان های مختلفی که هر یک ویژگی خـاص خود را دارند. همچنین تفاوت فاحشی میان این آثار فرهنگی مکتوب با آثار کلاسیک وجـود دارد؛ به طوری که اگرچه آثار مکتوب کشف شده سایر مناطق مشرق زمین پس از تلاش هایی پیگیر و مستمر خوانده و رمزگشایی شدند و اطلاعات مفید و زیادی را در دسترس محققان قرار دادند، امـا از آثار مکتوب کشف‌شده از آسیای میانه به دلیل داشتن ویژگی های خاص زبان‌شناسی به سختی می توان اطلاعاتی را به دست آورد. بااین‌حال، دانشمندان تاکنون اطلاعات زیادی– به‌خصوص از طریق سکه‌شناسی– در ارتباط با تاریخ و تمدن آسیای میانه به دست آورده اند.

از بررسی آثار به‌دست‌آمده از حفاری های باستان‌شناسی این سرزمین می‌توان دریافت که سرزمین وسیع خراسان بزرگ در طول دوران درازمدت خود ادوار فرهنگی متعـددی را پشـت سـر گذرانده است، به طوری که از بررسی آثار و اشیای باستانی کشف‌شده از این سرزمین و تقسـیم-بندی آن‌ها می توان سیر تمدن را در خراسان بزرگ بدین ترتیـب معرفـی کـرد: پـیش از تـاریخ،

[۱] رومن گیرشمن، هنر ایران ماد و هخامنشی ، ترجمه عیسی بهنام،(تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱) ، ص ۹۴ – ۹۱.

هخامنشیان، سلوکی، اشکانی و ساسانی. در این میان، پس از سلسله‌ی سلوکی و یا تا حدی هم-عصر با آن، سلسله‌ی یونانی بلخی نیز پدید آمده و پس از آن نیز با ورود اقوام ترک‌زبان سلسله‌ی هفتالیت ها که همان کوشانیان باشند، پدیدار شده است و برای مدت ها پابرجا بوده اند. البته باید افزود که این سلسله مهم‌ترین سلسله ای است که مدت ها بـا ساسـانیان در ارتبـاط بـوده اسـت. ازجمله مهم‌ترین مراکزی که مورد حفاری باستان‌شناسان روسی قرار گرفته و اشیای کشف‌شده از آن‌ها به نوعی نمایانگر ادوار فرهنگی یادشده است، عبارت‌اند: افراسیاب، نسـا، خالچیـان، تـوپراق قلعه و... که سابقه‌ی فرهنگ و تمدن را در آن‌ها از دوره‌ی هخامنشیان تا برآمدن هفتالیت هـا یـا کوشانیان به‌طور یکنواخت می توان دنبال کرد . از نتایج به‌دست آمده از این مراکز فرهنگـی مـی توان دریافت که سرزمین آسیای میانه یا خراسان بزرگ منتهی‌الیه شرقی امپراطوری هخامنشی را تشکیل می داد، در راستای جاده‌ی ابریشم قرار داشته و با هند و... در ارتباط بـوده اسـت و نیـز از طریق هند با سایر کشور های همجوار شرق خود ارتباط داشته است.

از آن‌جا، خراسان بزرگ به دلیل دارا بودن حوضه های متعـدد آبگیـر از حاصـلخیزی خاصـی برخوردار بوده است، از کهن‌ترین ایام محل سکونت اقوام بشری واقع شده است؛ به طـوری کـه آثار به‌دست‌آمده از حفاری‌ها گویای آن است که سابقه‌ی تاریخ و تمدن در این بخـش از مشـرق زمین باستان به کهن‌ترین دوران پیش از تاریخ یعنی پارینه‌سنگی می‌رسد و از آن پـس تـاکنـون زندگی بشری به‌طور یکنواخت در آن ادامه یافته است.« نخستین پژوهش های انجام‌شده در ایـن ناحیه موجب شد که توجه پژوهشگران به این‌جا جلـب گـردد و از آن پـس یعنـی از سـال ۱۸۶۸ میلادی که تیم باستان‌شناسان روسی به سرپرستی پ.س. لرخ در اطراف سـیحون بـه کـاوش پرداختند ، از وجود فرهنگی بسیار غنی در این ناحیه(سمرقند) خبر دادند. پس از آن نیـز باسـتان-شناسان به دلیل یافتن دیوار و حصار شهر سمرقند و نیز ویرانه‌های شـهر افراسـیاب، بـه کـاوش های خود ادامه دادند. درنتیجه، باستان‌شناس روسی و.آ.ژوکوسکی به نتایج قابـل‌تـوجهی دسـت یافت که عبارت بود از کشف انبوهی از منابع مکتوب درباره‌ی شهر مرو و سمرقند.[۱]

این کاوش های علمـی موجـب گردیـد تـا در حـدود سـال هـای ۱۹۳۵ تـا ۱۹۵۰ در بیشـتر جمهوری های آسیای میانه فرهنگستان های علوم تشکیل گردد و این خود باعث شد که بخـش های تاریخ و باستان شناسی آسیای میانه وظیفه‌ی تحقیق و کاوش درباره‌ی تاریخ و تمـدن ایـن

[۱] آ. بلنیتسکی، خراسان و ماوراء النهر، ترجمه پرویز ورجاوند(تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۴) ، ص ۳۹.

نواحی را بر عهده گیرند. که ما در این‌جا به منظور معرفی برخی نتایج این کاوش هـای باسـتان-شناسی به طور مختصر به برخی از آن‌ها می‌پردازیم تا بدین وسیله تصویری روشـن از پیشـینه‌ی فرهنگی کهن خراسان بزرگ ارائه دهیم.

الف) پیشینـه‌ی فرهنگی خـراسان بزرگ – پیش از تـاریخ

اولین و شاید بتوان گفت مهم‌ترین حفاری پیش از تاریخ آسیای میانه ، حفاری غار تاشیکتاش است. این غار در کوه های بایسوم در جنوب شرقی ترمذ در محلی به‌نـام تاشـیکتاش واقـع شـده است. « حفاری در این غار در سال ۱۹۳۸ توسط اوکلادینکف (okladinkov) انجام گرفـت. در نتیجه‌ی این حفاری، وی علاوه بر ابزارهای سنگی و استخوانی، اسکلت پسربچه ای هفت‌ساله را که در چاله ای در زیر سخره دفن شده بود کشف کرد . خوشبختانه، ایـن اسـکلت و بـه‌خصـوص جمجمه‌ی آن به خوبی حفظ شده بود . نتیجه‌ی آزمایش های علمی نشان داد که قـدمت آن۳۰ تا ۴۰ هزار سال پیش و مربوط به انسان نئوآندرتال می باشد. »[1] به گفته انسان‌شناسان امریکـایی این کشف موجب شد تا فاصله زمانی بین انسان نئواند رتال غربی تا نئواندرتال پکن یـا چـین تـا حدود نصف تقلیل یابد و نیز ابهامات موجود برطرف شود .

نقـاشی های پیش از تـاریخ تـرمذ

یکی از مهم‌ترین آثار فرهنگی به‌دست‌آمده از دوران پیش از تاریخ خراسـان بـزرگ ، نقاشـی های پیش از تاریخ کشف‌شده از صد کیلومتری شرق ترمذ است که در صخره های کـوه باباتـاق ترسیم شده اند. «این نقاشی ها که بیش از دویست مورد می باشند ، با گل اخـرا کشـیده شـده و جالب‌ترین آن‌ها شکارچیانی هستند که با پوشیدن پوششی از پوست حیوانـات بـه دنبـال گـرفتن حیواناتی از قبیل بز کوهی و یا قوچ می باشـند. همچنـین یکـی از کهـن‌تـرین ایـن نقاشـی هـا شکارچی است که خود را به صورت پرنده ای آرایش کرده و در کمین شـکار و یـا گـرفتن پرنـده است. کاشف این نقاشی ها و.ا.رانف این نقاشی ها را با نقاشی های آریژ در فرانسه که مربوط بـه دوره‌ی پارینه‌سنگی است، همزمان دانسته و همچنین معتقد اسـت کـه ایـن نقاشـی هـا جنبـه‌ی اعتقادی و جادویی دارند[2].»

---

[1] A. hardlicka , important Paleolithic find in central Asia , nouvelle serie , 90 , P . 297

[2] همان، ص ۶۱

از نظر باستان‌شناسی پس از دوره‌ی پارینه‌سنگی به دوره‌ی میـان‌سـنگی و نوسـنگی مـی رسیم . اما از آن‌جا که بیشتر باستان‌شناسان دوره‌ی میان‌سنگی را درواقع به‌نوعی همچون دوره‌ی فرعی پایانی پارینه‌سنگی دانسته و آن‌را با عنوان فراپارینه‌سنگی معرفی می کنند و همچنین آثـار بسیار کمی از این دوره به دست آمده است ، به همین دلیل در این‌جا به ذکر مهم‌ترین اکتشافات دوره‌ی نوسنگی آسیای میانه می پردازیم که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تمدن آنو واقع در جنـوب شرقی عشق‌آباد ترکمنستان ، غار جبل واقع در غربی‌ترین قسمت ترکمنستان، تمدن جیتون واقـع در ۲۰ کیلومتری شمال غرب عشق‌آباد ترکمنستان ، تمدن نمازگاه تپه و قره‌تپـه کـه هـر دو در جنوب شرقی عشق‌آباد ترکمنستان هستند. در این‌جا، ما به تشریح سه نمونـه از مـوارد ذکـرشـده می‌پردازیم.

تمـدن آنــو

یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی آسیای میانه یا خراسان بزرگ تمدن نوسنگی آنـو واقـع در ۱۲ کیلومتری جنوب شـرقی ترکمنسـتان اسـت کـه «در سـال ۱۹۰۴ الـی ۱۹۰۵ توسـط ر.پـامپلی (R.Pumeplly) مورد حفاری قرار گرفت. مهم‌ترین نتیجه ای که از این حفاری به‌دست آمـد آن بود که تمدن آنو مربوط به دوره‌ی نوسنگی بوده و در ارتباط با کشت گنـدم در عصـر نوسـنگی و مفرغ در منطقه‌ی آسیای میانه نه تنها اطلاعات مفیدی به دست آمد، بلکـه اطلاعـات پیشـین را متحول نمود و آسیای میانه به عنوان یکی از مراکز مهم کشت گندم (کشاورزی) جهـان باسـتان معرفی شد»[1].

تمـدن جیتــون

این مرکز فرهنگی توسط یکی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان روسـی یعنـی آ.آ. ماروشـینکف (A.A.Maruchinkov) حفاری و مطالعه شد و «درنهایت به عنوان یکی از تمدن هـای دوره‌ی نوسنگی آسیای میانه معرفی شد، زیرا در پی ایـن حفـاری هـا مشـخص گردیـد کـه ایـن مرکـز فرهنگی با داشتن مساحتی در حدود چهار هزار مترمربع دارای یک تأسیسات آبرسانی کامل و نیز یک سیستم کانال‌کشی برای فعالیت های کشاورزی بوده است. همچنین باید اضـافه نمـود کـه

[1] ، صادق ملک شهمیرزادی ، ایران در پیش از تاریخ (تهران: سازمان میراث فرهنگی ، ۱۳۸۲) ، ص ۳۸۰-۳۷۹.

این مرکز برای دومین بار توسط ب.آ. ماسون (B.A.Masson) مورد حفاری واقع شد که در نتیجه‌ی آن ۳۵واحد مسکونی علاوه بر بقایای تاسیسات کشاورزی کشف گردید. مراکز مسکونی آن هر یک دارای۲۰متر مساحت بودند. از جمله آثار مکشوفه جالب توجه در این حفاری داس های ترکیبی بود که برای ساختن آنها تیغه های سنگی را در شکاف هایی که در شاخ حیوانات ایجاد کرده بودند، با استفاده از قیر طبیعی می چسباندند. همچنین معلوم شد که در این ناحیه حیوانات را اهلی می‌کردند و علاوه بر تاسیسات کشاورزی، دامپروری نیز در اقتصاد تمدن جیتون جایگاه مهمی داشته است.[۱]» بنا بر نظریه حفاران، تمدن جیتون به عنوان کهن‌ترین روستای دوره‌ی نوسنگی در آسیای میانه شناخته شد .

تمدن نمازگاه تپه

نمازگاه تپه که در جنوب شرقی عشق‌آباد ترکمنستان واقع شده، در سال ۱۹۴۰ توسط د.د.پوکینیچ (D.D.Pukinitch) حفاری شد. «از مهم‌ترین نتایج این حفاری کشف کهن‌ترین روش آبیاری به صورت آبیاری رسوبی متداول در نمازگاه تپه بوده است. درواقع، به نظر می رسد که ساکنان نمازگاه تپه ابتدا در مسیل های سیلابی کوهستان ها بذرافشانی می کردند و در مرحله‌ی بعد با ایجاد سد های مصنوعی ابتدایی جریان آب را به طور منظم کنترل می کردند و به این ترتیب موفق شده اند که به یک نوع سیستم کانال‌کشی آب برای کشاورزی دست یابند»[۲].

باید افزود که نمازگاه تپه برای دومین بار توسط ر.د.کوفن (R.D.Kofen) مورد بررسی و مطالعه قرارگرفت که از مهم‌ترین نتیجه‌اش کشف ترقی و پیشرفت فرهنگی تمدن های خراسان بزرگ و آسیای میانه از دوره‌ی نوسنگی به مرحله‌ی فلز (مس ، مفرغ ، آهن) است. وی نتایج حفاری خود را به صورت جدولی با شش مرحله‌ی فرهنگی به صورت نمازگاه تپه یک تا شش معرفی و انتشار داد که البته به نظر وی این شش مرحله‌ی فرهنگی در نمازگاه تپه در طی سال های (۱۷۰۰–۲۴۰۰ ق.م) انجام گرفته است . امروزه، جدول ارائه شده‌ی کوفن در بررسی های باستان‌شناسی تمدن های عصر مس و مفرغ آسیای میانه مورد استفاده باستان‌شناسان قرار می گیرد.

---

[۱] همان ، ص ۳۸۱.

[۲] همان.

تمـدن ژاکسیـور

این مرکز فرهنگی که در ۲۰ کیلومتری تجن قرار دارد، توسط کوفن مورد بررسـی و حفـاری قرار گرفت. « از آثار به‌دست‌آمده از این حفاری معلوم شد که تحول فرهنگی در ارتباط بـا سـفال های نقشدار در شرق نزدیک با تمدن های آسیای میانه (ترکمنستان جنوبی) ارتباط داشته اسـت . بر اساس حفاری های انجام‌شده در آسیای میانه، به نظر می رسد که ساکنان این سرزمین با ورود به عصر فلز (مس،مفرغ،آهن) به فن ذوب و ترکیب و استفاده از آن پی برده باشند[1]». چراکه نتایج حفاری های انجام‌شده در نقاط مختلف این سرزمین به خوبی مصداق این ادعا است. از مهم‌ترین مراکزی که بیانگر عصر فلز در آسیای میانه است می توان بـه تزبگیـاب ، فرغانـه، قـره قـوم و... اشاره کرد که اینک به طور خلاصه به معرفی و تشریح آن‌ها می پردازیم.

تـزبگیـاب

تزبگیاب (tazabagyab) درواقع عنوانی است که در منطقه‌ی آسیای میانه یا خراسان بـزرگ نمایانگر عصر مفرغ در این سرزمین است .« تمدن کوکچا واقـع در خـوارزم یکـی از مهـم‌تـرین مراکز فرهنگی این دوره است . در پی حفاری های باستان‌شناسی در این ناحیه، قبرستانی نمایـان شد که طرز تدفین اجساد در آن جلب توجه می نمود؛ زیرا اجساد مکشـوفه در ایـن قبرسـتان بـه صورت چمباتمه ای در خمره های بزرگ دفن شده بودند که از مهم‌ترین آن‌ها می توان به تدفین یک مرد و زن که در خمره به صورت چمباتمه‌ای روبه‌روی یکدیگر قرار داده شـده بودنـد، اشـاره کرد. از دیگر آثار مکشوفه این مرکز باید از سفال های منقـوش بـه تصـاویر گیـاهی ، حیـوانی و هندسی نام برد که از ظرافت خاصی برخوردارند. همچنین از بقایای معماری مکشوفه می توان به خانه های زیرزمینی که سقف آن ها با تیر های چوبی پوشیده شده، اشاره کرد . شایان ذکر اسـت که اقتصاد معیشیتی مردمان تمدن تزبگیاب کشاورزی همراه با دامداری بـوده اسـت و در سـاخت ابزار ها از فلز یا آلیاژ مفرغ استفاده می شده است»[2]. یکی از زیباترین آثار کشف شده از این مرکز دستبندها و گردنبند های مفرغی است که انتهای آن‌ها به شکل سر حیوانات تزئین شده است.

---

[1] آ . ن. کوفن ، «استقرار های دوران انئولیتیک ژاکسیور» ، مجله تحلیل های تاریخی و باستان‌شناسی ،ش۱ (لنینگراد: بی تا، ۱۹۶۴).

[2] آ. بلنیتسکی، ص ۷۲.

تمـدن قره قـوم

قره قوم در ساحل چپ رود سیحون در غرب شهر فرغانه واقع شده اسـت، «در سـال ۱۹۵۵–۱۹۵۶، توسط اوکلادینکوف مورد حفاری قرار گرفت و معلوم گردید که ساکنان قره قـوم در خانـه هایی به ابعاد ۴۰ متر زندگی می کردند و اقتصاد معیشتی آن‌ها از طریق کشاورزی، دامداری و نیز صید ماهی و سایر حیوانات بوده است»[۱]. از جالب‌توجه‌ترین موارد قابل ذکر در این مرکز فرهنگی می توان به قالب های ذوب مفرغ و نیز اشیایی اشاره کرد که به نوعی به صـنعت معـدن‌کـاری و نیز سفال‌سازی در این مرکز دلالت می کنند.

تمدن چوست

تمدن چوست (chust) که در دره‌ی فرغانه واقع شده ، در واقع بیانگر تحول فرهنگی از عصر مفرغ به عصر آهن در آسیای میانه اسـت. «سـاکنان ایـن مرکـز فرهنگـی از طریـق کشـاورزی، دامپروری و نیز صنعت مفرغ‌کاری امرار معاش می نمودند . البتـه در ایـن راسـتا بایـد افـزود کـه صنعت مفرغ‌کاری در این مرکز در حد استادانه ای پیشرفت کـرده بـود. زیـرا بـر اسـاس بررسـی هاییکه کارشناسان بر روی اشیای مفرغی کشف‌شده از این ناحیه انجام داده اند ، به این نتیجـه رسیده اند که ساکنان تمدن چوست در مرحله‌ی تحول فرهنگی از عصر مفرغ به آهن بوده اند.[۲]»

از بررسی و مقایسه تمدن های پیش از تاریخ آسیای میانه (خراسان بـزرگ) بـا تمـدن هـای مناطق همجوار آن می توان احتمال داد که این تمدن ها با یکدیگر در تبادل فرهنگی بوده ، بـه-طوری که مراکز فرهنگی جنوب غربی آسیای میانه با مراکز فرهنگی کهن ایـران و بـین‌النهـرین مرتبط بوده اند . همچنین مراکز فرهنگی شمال آسیای میانه نیز با مراکز شمالی خود یعنی نواحی رود ولگا تا شرق قزاقستان در ارتباط فرهنگی بودند. اما مرکز فرهنگی چوست بـه دلیـل شـباهت سفال هایش احتمالا با مراکز یانگ شائو واقع در ترکستان شرقی (تورفان) قابل مقایسه است .

---

[۱] همان ، ص ۷۴ – ۷۳.

[۲] همان ، ص ۷۵ – ۷۴ .

نتیجـه‌گیـری

چنین به نظر می رسد که بر اساس بررسی های تاریخی و باسـتان‌شناسـی، سـیر فرهنـگ و تمدن بشری در سرزمین خراسان بزرگ و آسیای میانه از کهن تـرین مراحـل فرهـگ بشـری — پارینه‌سنگی – شروع شده و تقریبا به صورت یک‌نواخت نه تنها تا پایـان دوره‌ی باسـتان (اواسـط قرن هفتم میلادی) بلکه در دوران اسلامی نیز ادامه یافته و از جمله تمدن های شکوفای بشـری بوده است.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده از بررسی های تاریخی و باستان‌شناسی نشان داده است که تمدن های باستانی خراسان بزرگ اگرچه با تمدن های مناطق همجوار خود در ارتباط بوده اند ، ولـی از آن‌جا که در دوره‌ی هخامنشی این سرزمین بخشی از ایران آن زمان به‌شمار می رفت، بنابر ایـن بیشترین ارتباطات آن با تمدن های واقع در امپراطوری ایران هخامنشـی و در واقـع تحـت نفـوذ فرهنگ ایرانی بوده و این امر به گونه ای یک‌نواخت تا پایان سلسله های ایـران پـیش از اسـلام ادامه داشته است.

با ورود اقوام ترک اگرچه ورود و پیشروی آن‌ها در این سرزمین باعث به وجود آمدن حکومت هایی همچون کوشانیان در این خطه گردید، اما این امر هیچ‌گاه مانع نفوذ فرهنگ ایرانی در ایـن سرزمین نگردید؛ زیرا بن‌مایه و فلسفه‌ی فرهنگ غنی ایران باستان از جهان‌بینی پاک مـزدیسـنی نشات می گرفت که؛ خود در سرزمین خراسان بزرگ پدید آمده بود. جالب توجه اینکه این امر نـه تنها در دوره‌ی پیش و پس از اسلام وجود داشته، بلکه بررسی های مردم‌شناسـی و بـه خصـوص فرهنگ عامه نشان داده است که امروزه نیز با آن‌که در این سرزمین وسیع کشورهای گونـاگون و مستقلی پدید آمده، اما پیوستگی فرهنگی این کشورها با ایران امروزی قطع نگشته و شاید بتـوان گفت بیش از پیش ادامه یافته است.

فهرست منابع

بلنیتسکی. آ . خراسان و ماوراءالنهر، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۴.
حسنی، سید محمد علی (داعی الاسلام). وندیداد (ترجمه)، حیدر آباد دکن: صحیفه، ۱۳۵۷.
رایس، تامارا تالبوت. هنر های باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر تهران، ۱۳۷۲.
شهمیرزادی، صادق ملک. ایران در پیش از تاریخ، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
عنایت الله، رضا. « ترکان و ایران در عهد خسرو انوشیروان»، مجله بررسی های تاریخی، س ۱۱. ش۵.
فرای ، ر.ن. تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۰.
قدیانی ، عباس. تأثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان ، تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱.
کوفن. آ . ن. «استقرار های دوران انئولیتیک ژاکسیور»، مجله تحلیل های تاریخی و باستان‌شناسی ، لنینگراد ، ش ۱. س ۱۹۶۴.
گیرشمن، رومن. هنر ایران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
لسترنج، ج . گ. جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان ، تهران: دنیای کتاب،۱۳۸۱ .
مشکور، محمدجواد. جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۱.
نهچیری، عبدالحسین. جغرافیای تاریخی شهرها، تهران: مدرسه، ۱۳۷۰.
«گزارشاتی درباره تاریخ شعر حماسی فارسی»، بخش شرقی انجمن پادشاهی باستان‌شناسی روس ، پطروگراد ، س۱۹۱۵. ش۲۲.

hardlicka, important Paleolithic find in central Asia , nouvelle serie
kent , R.G, old Persian . grammer . texts and lexicon , new haven ,121953